

## حد و حدود دوستی

با توجه به این که نیاز به دوستی و دوستان یکی از نیازهای مهم انسان است و جای خالی این نیاز را چیز دیگری پر نمی کند ، باید زمینه های دوستی و روابط دوستانه مورد دقت قرار گیرد. از این رو امام حسن (علیه السلام) به یکی از فرزنداناش فرمود: "پسرم ! با احدی برادری و دوستی مکن مگر بدانی به چه جاهایی می رود و با چه افرادی نشست و برخاست می کند و چون خوب بر احوالش آگاهی یافتی و روش او را پسندیدی، با او دوستی کن. دوستی تو به خاطر این باشد که او را از لغزش ها باز داری و در تنگدستی به او یاری رسانی".<sup>۱</sup>

علی (علیه السلام) فرمود: "هرگاه وضع شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش بنگرید. اگر اهل دین و آیین الهی اند، او نیز پیرو آیین خدا است".<sup>۲</sup>

درباب حدود دوستی همین بس که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند : دوستی حد و حدودی دارد که عبارتند از:

- 1- ظاهر و باطن رفیقت باید نسبت به تو یکسان باشد.
- 2- زیبایی و آبروی تو را جمال خود بداند و نا زیبایی و بی آبرویی تو را زشتی خود بداند.
- 3- دست یافتن به مال و مقام باعث نشود که روش او در رفاقت با تو تغییر یابد.
- 4- در رفاقت از هر آن چه که مال اوست از تو مضایقه نکند.
- 5- تو را در مواقع سختی و مصائب رها و ترک نکند.<sup>۳</sup>

---

1) محمد جواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص 176

2) همان، به نقل از بحارالأنوار ، ج 74، ص 197

3) امالی صدوق، ص 397

## انواع دوستی و رفاقت

امام صادق (علیه السلام) می فرماید :<sup>۱</sup>

"رفقای صمیمی سه دسته اند :

1) برخی مانند لوازم ضروری زندگی هستند که انسان بدون هیچ چون و چرایی به آن ها نیازمند است و بدون آن ها نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد. که این رفقا همان رفقا و دوستان عاقل می باشند.

2) برخی مانند یک بیماری برای فرد هستند که انسان باید از آن ها دوری جسته و گرنه از راه اصلی ( دین ) گمراه می شود ، چه رسد که این بیماری ها کشنده باشند و باعث مرگ انسان شوند. که این رفقا ، رفقا و دوستان احمق هستند. کسانی که در برخی از موارد علیرغم علاقه و محبت به دوست خود از روی کم خردی و یا بی عقلی باعث مرگ و نابودی او می شوند.

3) برخی مانند دارو هستند و انسان برای شفا یافتن به آن ها نیازمند است. مانند رفیقان روشن فکر و بسیار عاقل که در مواقعی دست دوست خود را گرفته و او را نجات می دهند."

## دوستی های ممنوع

امام سجاد (ع) به یکی از پسران خود فرمود: " فرزندم !پنج دسته را در نظر داشته باش و با آنان همنشین و هم گفتار و رفیق راه مشو: "<sup>۲</sup>

1- دروغگو :

مبادا با دروغگو همنشین شوی که چون سراب است .

2- فاسق:

آن حضرت فرمود: مبادا با فاسق همنشین شوی که تو را به لقمه ای نان و یا به کمتر از آن بفروشد .

3- بخیل :

فرمود: مبادا با بخیل دوست شوی ، زیرا وقتی به کمک مالی او نیازمند بشوی ک تو را رها می کند .

---

1 ( تحف العقول، ترجمه جنتی، ص 567

2 ( محمد جواد طبسی ، به نقل از الختصاص ، ص 333

#### 4- احمق و نادان:

فرمود: مبادا با احمق دوست شوی، زیرا برای این که به تو سودی برساند، به تو ضرر می رساند.

#### 5- قاطع رحم:

فرمود: از همنشینی با کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کرده، دوری کن، زیرا که من او را در سه جای قرآن مورد لعن و نفرین یافتم.

لقمان حکیم به فرزندش فرمود: "فرزندم! هیچگاه بد زبان تو را فریب ندهد، زیرا بر دلش مهر زده شود و اندام و جوارحش علیه او شهادت خواهد داد."<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمود: "همنشینی با جاهل، نحس و بی برکت است."<sup>۲</sup>

امام جواد (علیه السلام) فرمود: "مبادا با شخص بدکار و تبهکار دوستی و رابطه برقرار کنی، زیرا او همانند شمشیر است که جلوه زیبایی دارد، ولی اثرش زشت و نازیبا است."<sup>۳</sup>

از نظر روایات دوست واقعی کسی است که به حدود دوستی پای بند باشد. امام علی (ع) در این رابطه می فرماید: "دوست واقعی نخواهد بود مگر اینکه دوستش را در سه حالت فراموش نکند: به هنگامی که دنیا به او پشت کرده و وقتی که غایب است و پس از مرگ."<sup>۴</sup>

#### معیار دوستی و دشمنی

برای انتخاب دوست باید مد نظر داشته باشیم که محور حب و بغض باید خدا باشد. یعنی انسان (مسلمان) باید با کسانی که مورد محبت خداوند قرار گرفته اند مهر و محبت ورزیده و ایجاد رابطه کند و در مقابل با کسانی که مورد بغض و کینه خداوند قرار گرفته اند نه تنها مهر و محبت نوزد بلکه او را دشمن خود بداند. این همان معنای تولی و تبری می باشد، چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (علیهم

---

1) محمد جواد طبسی، به نقل از الاختصاص، ص 183

2) همان، به نقل از بحار، ج 74، ص 208

3) همان، به نقل از بحار الأنوار، ج 74، 198

4) نهج البلاغه، قصار، ص 134

السلام) که جانشینان خداوند در روی زمین اند. محور حب خدا و دشمنان معاندان این بزرگواران محور بغض خدا هستند.

به عنوان مثال دوست داشتن امام حسین (علیه السلام) و عاشقان ایشان نیکوست؛ چون محبوب خداوند هستند و دشمنی با کسانی که دشمن امام حسین (علیه السلام) هستند (چه به ظاهر و چه به باطن) واجب است چون مغبوض خداوند هستند.

به همین خاطر است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمودند :

"با کسی دوست شو که نگاه کردن به او تو را به یاد خدا بیندازد و سخن گفتنش ، دانشت را و کردارش رغبتت را به آخرت بیفزاید." <sup>۱</sup>

### ویژگی های دوست خوب از نظر اسلام

یکی از نعمت های الهی که در سرشت انسان به ودیعه نهاده شده است ، احساس نیاز به دیگر افراد جامعه و برقراری ارتباط دوستانه با برخی از آنها است . چنانچه انسان بتواند دوستان نیکویی برای خود برگزیند و از این موهبت الهی به صورت صحیح و منطقی استفاده کند زندگی فردی و اجتماعی سالمتری خواهد داشت .

امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: "تا می توانی دوستانت را زیاد کن. دوستان به هنگام یاری جستن تکیه گاه و پشتیبان آدمی هستند". <sup>۲</sup>

#### 1) ایمان

یکی از مهمترین ویژگی های دوست مناسب این است که به اصول دینی یعنی توحید ، عدل ، نبوت ، امامت و به روز قیامت ایمان داشته باشد.

که با توجه به دقت در رفتار دوست می توان به این مسئله پی برد . از جمله آیا نماز می خواند؟ نمازش را به موقع می خواند؟ آیا روزه می گیرد؟ آیا به پدر و مادرش احترام می گذارد ؟ و از جمله این موارد که به طور کلی می توان گفت اگر انسان دستورات خداوند را انجام دهد یعنی نسبت به محارم خداوند ورع و دوری

---

1) بحارالانوار ، ج 74 ، ص 186

2 ) همان، ص 177 ، به نقل از بحار، ج 75، ص 90

داشته باشد و حلال خدا را انجام دهد ایمان دارد

امام علی (علیه السلام) فرمودند: "برادران (دینیات) را به اندازه تقوای آنان دوست بدار." <sup>۱</sup>

## (2) عقل

مهم ترین معیار در انتخاب دوست ، عقل و خرد است. عقل یعنی تشخیص حقیقت و راه عبادت. عقل دو نوع است:

الف ( عقل طبیعی: آن عطیه ای است الهی که به طور طبیعی و براساس حکمت و قانون خلقت در اختیار انسان قرار گرفته است تا او به کمک آن، در امور مختلف زندگی اندیشیده و خوب و بد را از هم تشخیص دهد.

ب ( عقل اکتسابی : آن عقلی است که از طریق به کارگیری عقل طبیعی و تجربه و مطالعه و تفکر در قضایای مختلف زندگی و دقت در حوادث اطراف و بررسی امور دیدنی و شنیدنی به دست می آید.

به طور کلی جوانان در تجزیه و تحلیل بسیاری از مسائل اطراف و روی دادهای یک سان نیستند؛ برخی از چنان رشد و قدرت تفکر و اندیشه ای برخوردارند که در روبه رو شدن با حوادث گوناگون زندگی به خوبی می توانند نیک و بد را شناخته و راه صحیح زندگی را انتخاب کنند، چنین افرادی به حق شایستگی دوست بودن را دارند و می توان از تجربیات و توان مندی های بالفعل و بالقوه آنان بهره مند شد.

اگر انسان دارای دوست عاقل باشد ثمره و میوه ی عقل دوستش به او نیز خواهد رسید و تشخیص حقیقت و راه عبادت بی نصیب نخواهد ماند .

با توجه به آن چه گذشت، سودمندترین روش آن است که با پیوند دوستی با خردمندان، بر عقل و اندیشه و قدرت تجزیه و تحلیل خود بیفزاییم.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

"هم نشینی با دوست خردمند، زندگی بخش جان و روان است" <sup>۲</sup>

"بیش تر خوبی و درستی در هم نشینی با صاحبان خرد و اندیشه است" <sup>۱</sup>

---

( 1 ) بحارالانوار، ج 78، ص 33

(1) تصنیف غررالحکم و دررالکلم ، ص 429، شماره 9771

" خردمند را شایسته است که رأی و نظر عاقلان را بر اندیشه خود بیفزاید و علم حکیمان و دانشمندان را به علم خود پیوند زند."²

" به دشمن خردمند خود مطمئن تر باش تا به دوست جاهلت"³

" دشمن باخرد از دوست نادان بهتر است"⁴

" دوستی با احمق، مایه عذاب روح است"⁵

" از نادان دوری کن، زیرا نرمی و سازش با او مایه رنج، توافق با او مایه سقوط و مخالفت با او مایه زیان و هم نشینی با او مایه بدفرجامی است."⁶

" با دشمن خردمند خود مشورت کن، اما از دوست نادانت پرهیز نما"⁷

امام باقر(علیه السلام) می فرماید: "قصد سفری داشتم که پدرم علی بن الحسین(علیه السلام) ضمن سفارشات خود به من فرمود: فرزندم از همراهی و رفاقت با احمق دوری کن و او را رها ساز و با او سخن مگو که او بدمنظر است، غایب باشد یا حاضر، اگر سخن بگوید حماقت و نادانی اش او را رسوا کند و اگر سکوت کند، نارسایی اش ظاهر گردد و اگر کاری کند، آن را خراب کند و اگر رازی به او سپرده شود، افشا کند. نه علم خودش او را بی نیاز کند و نه از دانش دیگران سود برد. اندرزگوی خود را فرمان نبرد و دوست خود را راحت نگذارد، مادرش مرگ او را دوست دارد تا در عزایش بگیرد و همسرش آرزو دارد او را از دست بدهد و همسایه اش آرزو می کند منزلش دور باشد و هم نشین او از ترس نشست و برخاست با وی تنهایی را برمی گزیند. وقتی در مجلسی وارد شود اگر از حاضران کوچک تر باشد، همه را عاجز کند و اگر از آن ها بزرگ تر باشد، با رفتار خود آنان را گم راه سازد."⁸

---

( 1 ) همان، ص 425، شماره 9768

( 2 ) همان، ص 55، شماره 496

( 3 ) همان، ص 425، شماره 9753

( 4 ) بحارالانوار (چاپ بیروت) ج 75

( 5 ) تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 432، شماره 9851

( 6 ) همان، شماره 9847

( 7 ) همان، شماره 10086

( 8 ) بحارالانوار (چاپ بیروت) ج 71، ص 198؛ به نقل از :امالی شیخ طوسی، ج 2، ص 226

راه شناسایی دوست عاقل از دوست بی عقل موقع شناسی و موقع شناسی افراد است . یعنی توجه به این سخن که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد .

روزی قنبر، خدمت گزار علی(علیه السلام) به مجلس یکی از مردان متکبر و تجاوزکار وارد شد. در محضر وی جمعی نشسته بودند، از آن جمله مرد کم تشخیصی بود که خود را از شیعیان ثابت قدم علی(علیه السلام) می دانست. موقعی که قنبر به مجلس وارد شد، آن شیعه موقع شناس برای احترام قنبر و به پاس مقام شامخ علی(علیه السلام) از جا برخاست و عملاً مقدم او را گرامی داشت. مرد متکبر از این کار خشمگین شد و به وی گفت: آیا در محضر من برای ورود یک فرد خدمت گزار قیام می کنی؟ مرد موقع شناس به جای آن که سکوت کند و بر جای خود بنشیند و به خشم تجاوزکار متکبر پایان دهد ، جوابی داد که خشم او را تشدید کرد. گفت: چرا به احترام قنبر قیام نکنم؟ او به قدری بزرگوار و شریف است که فرشتگان بال های خود را در راه وی می گسترانند و قنبر روی بال ملائکه راه می رود. این اظهار دوستی نابه جا و بی مورد چنان مرد متکبر را ناراحت کرد که از جای خود برخاست، قنبر را زد و به او ناسزا گفت. به علاوه تهدیدش کرد که این ماجرا باید پنهان بماند و کسی از کتک زدن و دشنام دادن من آگاه نشود.

این طولی نکشید که آن شیعه موقع شناس بر اثر مارگزیدگی بستری شد. علی(علیه السلام) به عیادتش رفت، از فرصت استفاده کرد و به وی فرمود: اگر می خواهی خداوند عافیت دهد، باید متعهد شوی که از این به بعد نسبت به ما و دوستان ما اظهار علاقه و محبت بی مورد نکنی و در محضر دشمنان، موجبات زحمت و آزار ما و یاران ما را فراهم نیاوری. موقع شناسی و عمل ناسنجیده شخص مورد نظر، زمینه هتک حرمت و توهین به قنبر را فراهم کرد. از این رو امیر مؤمنان علی(علیه السلام) ضمن عیادت و احوال پرسی، او را از تکرار چنین عمل بی موردی برحذر داشت.<sup>1</sup>

همان طور که کوتاه فکری و نادانی مراتب و درجاتی دارد، عقل و درایت نیز دارای مراتبی است و دوست انسان هرچه عاقل تر باشد ، ارزش دوستی با او بیش تر خواهد بود.

---

1 ( سفينة البحار، ج1، ص592، کلمه سبب: ترجمه داستان از محمدتقی فلسفی، جوان، ج2، ص335-334

### 3) حریص نبودن به دنیا

حریص نبودن به دنیا به این معناست که انسان ، دنیا را هدف خود قرار ندهد و تمامی هم و غم او رسیدن به دنیا نباشد . در حالی که دنیا وسیله ای برای دستیابی هدف والاتر که همان آخرت می باشد دنیا وسیله ای برای رسیدن به آخرت ( هدف والا ) می باشد و خود نمی تواند هدف والای انسان قرار بگیرد .

امام علی (علیه السلام) می فرمایند : " بهترین دوست کسی است که دوستی و کمک کردنش در راه دنیا نباشد." <sup>۱</sup>

### 4) اعتدال و میانه روی

اعتدال در دوستی، یعنی دوستی ها جنبه جذبه و شور می گیرد و معیار دوستی ها بیش تر بر مبنای عواطف شکل می گیرد و از پایه های منطقی و ارزشی کمتر برخوردار می شود و به گونه ای افراطی عمل می کنند . این نوع دوستی با تقدیم هدایا و احساسات خالصانه به اوج می رسد و غالباً این دوستان ترجیح می دهند دوست، همواره متعلق و منحصر به خودشان باشد و دیگری در این ارتباط عاطفی ، مشارکتی نداشته باشد . البته دوستی های افراطی زمانی محدود و مشخص دارد، به نحوی که شروع آن پیرامون 12 و 13 سالگی و دوام آن حداکثر تا 18 سالگی است، پس از آن، احساسات فرو می نشیند و به اصطلاح تصفیه می گردد.

جوانان به دلیل برخورداری از احساسات و عواطف، در دوستی افراط می کنند و ارتباط امروز را ثابت و ناگسستنی می پندارند، از این رو به قدری در دوستی زیاده روی می کنند که گویی یک روح در دو بدن اند، از جمله مثل هم لباس می پوشند و مانند یکدیگر موی و روی خود را می آرایند، نیز با هم از هر سری سخنی می گویند و تحمل جدایی از یکدیگر را ندارند، چنان که در ایام جدایی بیش از حد ابراز مخالفت و دشمنی می کنند اما اسلام اعتدال در دوستی را مطرح کرده ، در دوستی و دشمنی خواهان میانه روی است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: "با دوستت با حفظ جهات و مدارا اظهار دوستی کن، شاید روزی دشمن شود. همچنین در اظهار دشمنی نیز مدارا کن، شاید روزی دوست گردد." <sup>۲</sup>

---

<sup>1</sup> ( غرر الحکم و دررالکلم، ص 5016

<sup>2</sup> ( نهج البلاغه، قصار 260



## (5) آئینه بودن

پیامبر اکرم (صل الله علیه و اله و سلم) می فرمایند: المؤمن مرآة المؤمن (مومن آینه مومن است)<sup>۱</sup> اگر در این حدیث کوتاه دقت کنیم، نکاتی را در باره ی انتقاد کردن و انتقاد پذیری درمی یابیم. از جمله آنکه دوستان، همچون آئینه عیب را از روی دلسوزی و صفا می گویند. همچنین یک دوست خوب، عیب دوستش را چون آئینه، همانطور که هست به بیان می کند و آنرا بزرگ و کوچک نشان نمی دهد. ضمن آنکه یک دوست دانا و با بصیرت، مانند آئینه، در همان حال که عیب دوستش را به وی می گوید، نقاط قوت او را نیز خاطر نشان می کند.

در مقابل، انسان عاقل و خردمند نیز، اگر دوستی عیش را متذکر شد، نه تنها ناخشنود نمی شود، بلکه به این نتیجه می رسد که آن دوست در پی اصلاح اخلاق و رفتار اوست تا بر مقام و منزلتش افزوده شود. به همین دلیل رشته دوستی آن دو مستحکم تر می شود.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: "دوست و برادر واقعی تو کسی است که: لغزش و اشتباهت را ببخشد، و عذرت را بپذیرد و عیوبت را بپوشاند."<sup>۲</sup>

## (6) ادب

یکی دیگر از ویژگی های دوست خوب، ادب است.

امام علی (علیه السلام) می فرمایند:

"ان رسول الله (صل الله علیه و اله و سلم) أَدَبَهُ اللهُ وَ هُوَ أَدَبَنِي وَ أَنَا أُؤَدِّبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُورَثُ الْإِدْبَ الْمَكْرَبِينَ"<sup>۳</sup>

با توجه به این حدیث می توان فهمید که ادب در سایه پیروی از دستورات اسلام حاصل میشود.

ولی باید توجه داشت که چاپلوسی و تملق ادب نیستند.

---

1) اصول کافی، ترجمه کمره ای، ج 4، ص 754

2) غرر الحکم و درر الکلم، ص 3645

3) تحف العقول، ج النص، ص 171

## 7) اخلاق نیکو

اخلاق خوب یکی دیگر از خصوصیات دوست خوب است. در آموزه های اسلام ، دوست خوب کسی است که از رذایل اخلاقی و شرارت باطنی به دور باشد. چراکه دوست بد اخلاق و بدکار سرانجام انسان را به کارهای شر و نادرست می کشاند .

خوشروبودن نشانِ متابعت رسول الله، صَلَّی الله عَلَیْهِ وَ سَلَّمَ است.

روزی امام علی (علیه السلام) در حال بازگشت به کوفه بود که در بین راه ، یک مرد یهودی را دید که او نیز به سوی کوفه حرکت می کرد اما مقصد او اطراف و حومه کوفه بود. مرد یهودی حضرت علی (علیه السلام) را نمی شناخت و نمی دانست که او خلیفه مسلمین است ، اما چون راهشان یکی بود با او همراه شد و با هم به راه خود ادامه دادند. در بین راه به گفتگو پرداختند تا این که به یک دو راهی رسیدند که یک راه به کوفه و دیگری به حومه آن می رفت. امام علی (علیه السلام) به جای اینکه راه کوفه را انتخاب نماید راه دیگر را برگزید و همچنان مرد یهودی را همراهی کرد. مرد یهودی که می دانست او می خواهد به کوفه برود از او پرسید : "مگر نگفتی که می خواهی به کوفه بروی؟"

امام پاسخ داد: "آری"

مرد یهودی با تعجب پرسید: "تو که راه کوفه را می دانی پس چرا با من می آیی؟"

امام فرمود: "ما در این مسیر با هم دوست شدیم و این کار برای نیکو پایان دادن به این هم سفری است ، زیرا دستور پیامبر ماست که انسان برای احترام به رفیق راهش ، هنگام جدایی، چند قدمی او را مشایعت کند. " مرد یهودی پرسید: «آیا پیامبر شما به راستی این چنین دستور داده است؟»

امام فرمود: "آری"

مرد یهودی با مشاهده این اخلاق نیکو و رفتار پسندیده امام علی (علیه السلام) مسلمان شد.<sup>1</sup> بد اخلاقی موجب پراکنده شدن دوستان می شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش محمد بن حنیفه فرمود: "مبادا به خود بینی و بد اخلاقی و بی صبری مبتلا شوی، زیرا با این صفات هیچ دوستی برایت باقی

---

1 (الأصول الکافی، ج 2، ص 670

نمی ماند و پیوسته مردم از تو کناره می گیرند.<sup>۱</sup>

نکته قابل ذکر و تأمل این است که اگر ما در جامعه دارای حسن خلق باشیم (مخصوصاً در مجالس و مراسم هایی چون میلاد ائمه و شهادت های ایشان) تمامی عالم را به سمت شیعه و اسلام جذب خواهیم نمود ولی متأسفانه در بسیاری از موارد به این مهم رسیدگی نمی شود که جای تأسف و خود خوری دارد و این همان مسئله ای بود که پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله) به آن توجه ویژه ای داشتند. ایشان با خوش رفتاری ابتدا انسانها و حتی دشمنان خود را جذب نموده و سپس درباره ی اسلام با آنها سخن می گفتند و آنها را هدایت می نمودند. پس چرا ماکه ادعای شیعه و اسلام داریم اینگونه نیستیم؟

## 8) آزمایش

علی (علیه السلام) فرموده است: "کسیکه پس از آزمایش صحیح، کسی را به دوستی برگزیند رفاقتش پایدار و مودتش استوار خواهد ماند."<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام) می فرماید: "مردم، جز با امتحان و آزمایش شناخته نمی شوند. پس همسر و فرزندان را در حال غیبت و نبودن امتحان کن، و دوست را در مصیبت و گرفتاری، و خویشاوندان خود را هنگام نیازمندی و تهیدستی ... وَ صَدِيقَكَ فِي مُصِيبَتِكَ"<sup>۳</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: "دوست خود را در سه وقت آزمایش کنید :

1) در وقت نماز

2) در مخفی نگه داشتن اسرار ما از دشمن ما.

3) سهیم کردن یا عدم سهیم کردن برادران خود در مال خود."<sup>۴</sup>

و در جایی دیگر نیز فرموده اند: "کسی که سه بار از دست تو خشمگین شود ولی درباره تو چیزی نگوید،

شایسته رفاقت است."<sup>۵</sup>

---

1) مستدرک الوسائل، ج 1، ص 136

2) غرر الحکم و درر الکلم، ص 695

3) بحار انوار، ج 75، ص 10

4) تحف العقول، ترجمه جنتی، ص 591

5) تاریخ یعقوبی، ص 97

باید توجه داشته باشیم که آزمایش قبل از رفاقت ، موجب دوام رفاقت خواهد شد.

### حقوق دوستان در اسلام

رسول اکرم (صل الله علیه و آله) فرموده است: "کسیکه تو به حقوق او توجه داری ولی او به حق تو توجه نمی کند رفیق خوبی نخواهد بود و برای مصاحبت شایستگی ندارد."<sup>۱</sup>

#### 1 ( حق در مال

افراد در مال دوست خود حقی دارند که همان مشارکت دو دوست در مال یکدیگر است و مشارکت در مال و دارایی 3 مرحله است :

1- در حدی که نیاز دوست را تأمین کند.

2- در حدی که دوست را با خود مساوی بداند.

3- در حدی که دوست را برتر از خود بداند.

#### 2 ( حق در نفس

حق در نفس برآورده کردن حاجات برادر و دوست مؤمن می باشد و برتر از آن این است که قبل از درخواست دوست حاجت او را برآورده نماییم.

لقمان حکیم فرموده است: " دوست را نمی شناسی مگر وقتی به او نیاز پیدا می کنی. "<sup>۲</sup>

سعدی نیز در این باره گفته:

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

#### 3 ( سکوت و سخن

حق دیگر به موقع سخن گفتن ( و قولو قولاً سدیداً)<sup>۱</sup> و بر موقع سکوت کردن ( و اجتنبوا قول الزور)<sup>۲</sup> می باشد.

---

1 ( تاریخ یعقوبی ، ص 66

2 ( بحار الانوار، ج 74 ، ص 178

اما در چه مواردی باید سکوت کرد ؟ انسان باید از ذکر عیوب دوست خود ( در غیاب او و در مقابل دیگران ) خودداری نماید. زیرا حتی ممکن است این سخن او غیبت به شمار آید و باید توجه داشت که پیامبر ( صل الله علیه و آله ) فرمودند : " الغیبه اشد من الزنا " <sup>۳</sup> دیگر مورد سکوت ، سکوت از بخس و تفتیش است که باعث از بین رفتن رفاقت می شود.

همان طور که سکوت مواردی داشت ، سخن گفتن نیز مواردی دارد از جمله این که انسان باید در غیاب و در حضور دوست خود از او به واسطه سخن گفتن پشتیبانی و حمایت کند البته پشتیبانی به حق و به جا.

#### 4 ( عفو و بخشش

یکی از صفات وجودی انسان ایده آل عفو و بخشش است. افراد هر اندازه که خوب و با ایمان باشند ، از اشتباه و خطا معصوم نیستند و دچار خطا و اشتباه می شوند و وقتی این اشتباه از دوست ما سر زد ، وظیفه ما این است که او را ببخشیم.

مولای متقیان علی (علیه السلام) فرمودند: "عفو و بخشش همانقدر که در انسان بزرگوار موثر است انسان فرومایه را تباه می کند." <sup>۴</sup>

هر گلی علت و عیبی دارد      گل بی علت و بی عیب خداست <sup>۵</sup>

به عنوان مثال می توان به داستان حضرت یوسف (علیه السلام) اشاره نمود ، برادران حضرت یوسف (علیه السلام) ایشان را به چاه انداختند و باعث و بانی سال ها فراق ایشان از خانه و خانواده شان شدند ولی ایشان برادرانشان را بخشیدند. <sup>۶</sup>

علی (علیه السلام) فرمود: "عذر کسی را که از تو پوزش بخواهد بپذیر و عفو و گذشت دیگران را نیز پذیرا

---

1 ( سوره نساء، آیه 9). (و بترسید از مکافات عمل خود، کسانی که اگر کودکان ناتوان از خود باقی می گذارند بر آنان بین

دارند، پس باید از خدا بترسید و در حق ایتم مردم سخن به اصلاح و درستی بگویند).

2 ( سوره حج آیه 30). (این است احکام حج و هر کس اموری را که حرمت نهاده بزرگ و محترم شمارد البته این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود و 4 پایان غیر از آنچه تلاوت خواهد شد برای شما حلال گردید پس از بتها اجتناب کنید و از سخنان لغو دوری گزینید).

3 (مکارم الخلاق، ص 470

4 ( بحار الانوار، ج 74، ص 42

5 (پروین اعتصامی

6 ( سوره یوسف، آیه 92

باش" <sup>۱</sup>

## 5) دعا کردن

یکی از حقوق دوستی دعا کردن است و باید توجه داشته باشیم که دعایی را که در حق دوست می کنیم ( چه خوب باشد چه بد ) در حق خودمان نیز مستجاب خواهد شد.

دعا کردن در حق دوست نباید به حسب دنیا باشد زیرا که پیامبر از خدای خود مسألت نموده اند که دعای دوستی را در حق دوستی مستجاب نگرداند که دوستی ایشان از جهت غرض دنیوی باشد. <sup>۲</sup>

## 6) وفاداری به دوستی

یکی از حقوق دوستان نسبت به هم وفاداری و با وفا بودن در همه ی شئون زندگی نسبت به هم است. پس به طور کلی آشنایی با حق و حدود دوستی سرفصل یک رفتار اجتماعی مناسب است . این امر مسئله مهمی است و در اسلام نیز جایگاه بزرگی دارد. یکی از نشانه های وفا داری ابراز محبت به دوستان و ابراز محبت به دوست دوستان می باشد. یکی دیگر از نشانه های وفاداری این است که انسان در هر مقام و پستی که هست و می باشد، رابطه اش با دوستانش تغییری نکند. یعنی رابطه خود با دوستانش را فدای پست و مقام نکند. البته باید توجه داشت که وفا داری تا حدی که با مبانی اسلامی مطابقت داشته باشد درست است.

## 7) توقعات کم

توقعات زیاد نشانه انسان های احمق و اساس دوستی را بر هم می زند و حتی یکی از دلایل از بین رفتن رابطه دو زوج و ایجاد طلاق می باشد. در بسیاری از احادیث تکلف و توقع را نشانه انسان احمق دانسته اند. پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) می فرمایند : "ما جمع پیامبران و پرهیزکاران از تکلف بیزاریم. <sup>۳</sup>" علی (علیه السلام) فرموده است : "خود پسند نادانی که از رفیق خویش توقع بی جا می کند و در رفاقت وی خشنود نمی گردد مگر آنکه شخصیت خود را نادیده انگارد و رفیق نادان را بر خود ترجیح دهد همواره در خشم و ناراحتی خواهد ماند ؛ زیرا هیچ رفیق عاقلی با این گذشت احمقانه تن نمی دهد. <sup>۱</sup>"

---

1) کنز العمال ، ج 16 ، ص 269

2) مهج الدعوات، ترجمه طبسی، ص 547

3) بحار الانوار، ج 3، ص 394

مشورت عملی است که پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) از آن دریغ نمی کردند و نه تنها ایشان و اهل بیت ایشان بلکه قرآن نیز سفارش زیادی به آن می کند. حتی در بسیاری از جنگ ها نیز پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) با یاران خود مجلس شور برگزار می نمودند.

مشورت دو حالت دارد :

1- یا اینکه تو با دیگران مشورت کنی که در اینصورت طبق روایات و احادیث تو در عقل دیگران سهیم شده ای.

2- یا این که دیگران باتو مشورت کنند که در این صورت باید بسیار مراقب باشیم که خیانت نکنیم و باید بدانیم که خیانت در اسلام گناه بزرگی است.

### حقوق دوستان از نظر اهل بیت (علیه السلام)

معلمی بن خنیس می گوید : "خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و از ایشان حقوق برادر مؤمن بر برادر مؤمن خویش را پرسیدم"، ایشان فرمودند :

" مؤمن بر برادر خود هفت حق واجب دارد :

1- آن چه را که برای خود می پسندد برای دیگران هم بپسندد و آن چه را که برای خود نمی پسندد برای دیگران نیز نپسندد.

2- حوائج را برطرف و رضایت او را جلب نمایی و با او مخالفت نوری.

3- با دست و پا و زبان و جان خود او را یاری نمایی.

4- آئینه و دلیل و راهنما و چشم او باشی.

5- آن گونه نباشد که تو سیر و پوشیده باشی و او گرسنه و برهنه باشد.

6- اگر تو خدمت گذار داری و او ندارد خدمتگذار خود را بفرست تا کارهای او را انجام دهد.

7- قسم او را بپذیر و حاجتش را برآورده کن و وقتی فهمیدی حاجتی دارد در بر آوردن حاجتش پیش قدم

## آداب دوستی و دوست یابی

- اِسْتِفْسَادُ الصَّدِيقِ مِنْ عَدَمِ التَّوْفِيقِ؛ رنجاندن دوست و تباه ساختن او ناشی از بی توفیقی است.<sup>۲</sup>
- إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الصَّدِيقِ قَلَّ السُّرُورُ بِهِ؛ وقتی که خطا و گناهان دوست زیاد شود از میزان دلخوشی به او کاسته می شود.<sup>۳</sup>
- أَذَا اتَّخَذَكَ وَلِيَّكَ أَخَا فَكُنْ لَهُ عَبْدًا وَ اَمْنِحْهُ صِدْقَ الْوَفَاءِ وَ حُسْنَ الصَّفَاءِ؛ هرگاه دوست تو را برادر خود دانست همچون غلامی نسبت به او متواضع باش و علاوه بر وفاداری همواره با صفا و صمیمیت با او برخورد کن.<sup>۴</sup>
- تَحَبَّبَ إِلَى خَلِيلِكَ يُحِبِّبَكَ وَ اكْرَمَهُ يُكْرِمَكَ وَ آثَرَهُ عَلَى نَفْسِكَ يُؤَثِّرُكَ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ؛ به دوست خود محبت کن تا او نیز به تو محبت کند. او را گرامی دار تا او هم تو را محترم بشمارد. همواره او را بر خود مقدم بدان تا او نیز تو را بر خودش و خانواده اش مقدم بداند.<sup>۵</sup>
- حُسْنُ الصُّحْبَةِ يَزِيدُ فِي مَحَبَّةِ الْقُلُوبِ؛ خوب دوستی کردن، محبت و صمیمیت دل ها را بسیار می کند.<sup>۶</sup>
- مُعَادَاةُ الْكَرِيمِ أَسْلَمٌ مِنْ مُصَادَقَةِ اللَّئِيمِ؛ زیان دشمنی کردن انسان شریف کم تر از دوستی فرد پست و لئیم است.<sup>۷</sup>
- تَنَاسَ مَسَاوِي الْأَخْوَانِ تَسْتَدِمُ وَدَّهْمُ؛ بدی های برادران را فراموش کن تا دوستی آنها پایدار شود.<sup>۸</sup>
- مَنْ أَطَاعَ الْوَاشِيَّ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ؛ هر کس به حرف سخن چین گوش کند، دوست خود را از دست می دهد.<sup>۹</sup>
- الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ؛ خوش رویی وسیله صید دوستی و محبت است.<sup>۱۰</sup>

- 
- 1 ( تحف العقول، ترجمه جنتی، ص 33
  - 2 ( عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 127
  - 3 ( عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 135
  - 4 ( عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 137
  - 5 ( غرر الحکم و درر الکلم، ص 320
  - 6 ( عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 228
  - 7 ( تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج 6، ص 262
  - 8 ( عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 200
  - 9 ( بحار الانوار (ط-بیروت)، ج 7، ص 160
  - 10 ( تحف العقول، ج النص، ص 202



- اذا تَبَتَ الْوُدُّ وَجَبَ النِّزَافُ وَ التَّعَاذُ؛ هرگاه دوستی پا برجا شد، یاری رساندن و پشتیبانی از یکدیگر واجب می شود<sup>۱</sup>

- ما أَقْبَحَ الْعَدَاوَةَ بَعْدَ الْمَوَدَّةِ؛ چه زشت است پس از دوستی دشمنی کردن.

- لَا يَكُونُ أَخُوكَ أَقْوَى مِنْكَ عَلَى مَوَدَّتِهِ؛ مبدا دوستت در دوستی از تو محکم تر باشد.

- مَنْ نَاقَشَ الْإِخْوَانَ قَلَّ صَدِيقُهُ؛ هر کسی که به برادران خود خرده گیری کند دوستانش کم خواهند شد.<sup>۲</sup>

- اِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبَعِّدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ؛ از دوستی با کسی که بسیار دروغ می

گوید پرهیز کن؛ زیرا چنین انسانی دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور وانمود می کند.<sup>۳</sup>

- اِيَّاكَ أَنْ تُخْرِجَ صَدِيقَكَ اخْرَاجًا يُخْرِجُهُ عَنْ مَوَدَّتِكَ وَ اسْتَبَقِ لَهُ مِنْ أَنْسِكَ مَوْضِعًا يَثِيقُ بِالرَّجُوعِ إِلَيْكَ؛ مبدا

دوستت را به گونه ای از خود برانی که از دوستیت خارج شود. از دوستی و پیوند خود به مقداری که بتواند

دوباره به سوی تو برگردد، باقی بگذار.<sup>۴</sup>

- اِيَّاكُمْ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُ مُصَادِقَتَهُ بِالتَّافِهِ الْمَحْتَقِرِ؛ از دوستی با فرد آلوده دامن خودداری کنید؛ چرا

که دوستی اش را به چیز اندک می فروشد.<sup>۵</sup>

- حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ؛ حسد ورزیدن دوست از علایم ناسلامتی دوستی است.<sup>۶</sup>

- أَبْذُلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ الْمَوَدَّةِ وَ لَا تَبْذُلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَأْنِينَةِ وَ أَعْطِهِ مِنْ نَفْسِكَ كُلَّ الْمَوَاسَاةِ وَ لَا تَقْصُصْ إِلَيْهِ بِكُلِّ

أَسْرَارِكَ؛ برای دوست خودتا می توانی ابراز دوستی کن ولی به طور کامل به او اعتمادمکن و با او همراهی کن

ولی تمام اسرار را برای او بیان مکن.<sup>۷</sup>

- مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدْ مَوَارِدَهُ فَقَدْ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ؛ هر کس از دوست خود تفقد و احوال پرسی نکند، در حقیقت او

راتباه کرده است.<sup>۱</sup>

---

( 1 ) غرر الحکم و درر الکلم، ص 290

( 2 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 437

( 3 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 96

( 4 ) غرر الحکم و درر الکلم، ص 169

( 5 ) غرر الحکم و درر الکلم، ص 174

( 6 ) نهج البلاغه (للسبکی صالح)، ص 507

( 7 ) غرر الحکم و درر الکلم، ص 148

- مَنْ اسْتَقْصَى عَلَى صَدِيقِهِ انْقَطَعَتْ مَوَدَّتُهُ؛ هر کس بر دوست خود خرده گیری (بی جا) بکند، دوستیش از بین می رود.<sup>۲</sup>

- مَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ زَلَلَ الصَّدِيقَ مَاتَ وَحِيدًا؛ کسی که لغزش های دوست را تحمل نکند تنها می میرد (چون کسی با او دوست نمی شود).<sup>۳</sup>

- لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ؛ هرگز دشمن دوستت را دوست مگیر؛ زیرا با این کار با دوست خود دشمنی کرده ای.<sup>۴</sup>

- لَا خَيْرَ فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ (ضنین)؛ در دوست متهم (یا بخیل) خیری وجود ندارد.<sup>۵</sup>  
- لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي غَيْبَتِهِ وَ نِكَبَتِهِ وَ وَفَاتِهِ؛ دوست، دوست نخواهد بود مگر آن که حق برادری را درباره او در نبوداش و در زمان رنج و سختی و بعد از وفاتش رعایت کند.<sup>۶</sup>  
- لَا تَتَّقُ بِالصَّدِيقِ قَبْلَ الْخُبْرَةِ؛ قبل از امتحان به دوستت اعتماد مکن.<sup>۷</sup>

- لَا تَعْدَنَّ صَدِيقًا مِنْ لَا يَوَاسِي بِمَالِهِ؛ کسی را که با مالش با تو همیاری نمی کند دوست به حساب نیاور.<sup>۸</sup>  
- لَا تَأْمَنُ صَدِيقَكَ حَتَّى تَخْتَبِرَهُ؛ به دوست خود اعتماد مکن مگر این که او را امتحان کرده باشی.<sup>۹</sup>  
- سَلُوا الْقُلُوبَ عَنْ الْمَوَدَّاتِ فَإِنَّهَا شَوَاهِدٌ لَاتَقْبَلُ الرُّشَا؛ دوستی ها را از دل ها بپرسید؛ چون دل ها گواهان راستگویی اند که رشوه نمی پذیرند.<sup>۱۰</sup>

- فِي الضَّيِّقِ وَالشَّدَّةِ يَظْهَرُ حُسْنُ الْمَوَدَّةِ؛ در سختی و تنگی درستی دوستی آشکار می شود.<sup>۱۱</sup>

- مَنْ خَلَصَتْ مَوَدَّتُهُ أُحْتِمِلَتْ دَالَّتُهُ؛ ناز کسی که دوستی اش خالص باشد خریدار پیدا می کند.<sup>۱</sup>

---

( 1 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 622

( 2 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 459

( 3 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 425

( 4 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 755

( 5 ) مکاتیب الاثمه، ج 1، ص 546

( 6 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 786

( 7 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 522

( 8 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 522

( 9 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 523

( 10 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 404

( 11 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 479

- مَنْ وَاذَّ السَّخِيفَ أَغْرَبَ عَنْ سَخَفِهِ؛ کسی که فرد کم عقل را به دوستی برگزیند، با این کار کم عقلی خود را نشان می دهد.<sup>۲</sup>

- ما اخلص المودة من لم ينصح؛ کسی که خیرخواهی نکند دوستی اش خالص نیست.<sup>۳</sup>

- وادوا من توادونه في الله و ابغضوا من تبغضونه في الله سبحانه؛ هر کسی را که دوست دارید برای خدا دوست بدارید و هر کس را دشمن می دارید برای خدا دشمن بدارید (دوستی و دشمنی شما برای خدا باشد).<sup>۴</sup>

- لا تمنحن وذك من لا وفاء له؛ دوستی خودتان را در پای کسی که بی وفاست بذل نکنید.<sup>۵</sup>

- لا تعتمد على مودة من لا يوفى بعهده؛ به دوستی کسی که به پیمانش وفا نمی کند اعتماد مکن.<sup>۶</sup>

- لا تبدلن وذك اذا لم تجد موضعا؛ وقتی جایگاه مناسبی پیدا نکردید، دوستی خودتان را بذل نکنید.<sup>۷</sup>

- لا يغبط بمودة من لا دين له؛ دوستی کسی که دین ندارد غبطه خوردنی نیست.<sup>۸</sup>

- ينبغي أن يهان مغتنم مودة الحمقى؛ خواری و اهانت سزاوار کسی است که دوستی بی خردان را غنیمت می شمارد.<sup>۹</sup>

- إذا أحببت فلا تكثير؛ چون دوستی می کنی زیاده روی مکن.<sup>۱۰</sup>

- لا تصحب من لا عقل له؛ با کسی که عقل ندارد دوستی مکن.<sup>۱۱</sup>

- من علامة الشقا غش الصديق؛ فریب دادن دوست نشانه شقاوت اوست.<sup>۱۲</sup>

- لا تدوم مع الغدر صوبة خليل؛ با فریب و نیرنگ دوستی دوام پیدا نمی کند.<sup>۱</sup>

---

( 1 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 431

( 2 ) غرر الحكم و درر الكلم، ص 604

( 3 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 476

( 4 ) غرر الحكم و درر الكلم، ص 729

( 5 ) غرر الحكم و درر الكلم، ص 743

( 6 ) غرر الحكم و درر الكلم، ص 748

( 7 ) غرر الحكم و درر الكلم، ص 750

( 8 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 540

( 9 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 555

( 10 ) تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص 424

( 11 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 517

( 12 ) عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص 472

- اِغْتَفِرْ زَلَّةَ صَدِيقِكَ؛ از لغزش دوست چشم پوشی کن.<sup>۲</sup>
- كُلُّ مَوَدَّةٍ مَبْنِيَّةٌ عَلَى غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ ضَلَالٌ؛ هر دوستی که بر اساس غیر انگیزه الهی تحقق یابد گمراهی است.<sup>۳</sup>
- حُبُّ الْمَالِ يُفْسِدُ الْمَالَ؛ مال دوستی عاقبت و آینده انسان را تباه می سازد.<sup>۴</sup>
- حُبُّ الْمَالِ يُقَوِّی الْأَمَالَ وَ يُفْسِدُ الْأَعْمَالَ؛ مال دوستی آرزوها را تقویت کرده، اعمال انسان را تباه می سازد.<sup>۵</sup>
- حُبُّ الْمَالِ يُوْهِنُ الدِّينَ وَ يُفْسِدُ الْيَقِينَ؛ مال دوستی دین را سست و یقین را تباه می سازد.<sup>۶</sup>
- عِنْدَ زَوَالِ الْقُدْرَةِ يَتَبَيَّنُ الصَّدِيقُ مِنَ الْعَدُوِّ؛ در موقع از دست رفتن قدرت دوست از دشمن تمییز داده می شود.<sup>۷</sup>
- فِي الشَّدَّةِ يُخْتَبَرُ الصَّدِيقُ؛ در سختی دوست آزموده می شود.<sup>۸</sup>
- أَحَبُّ فِي اللَّهِ مَنْ يُجَاهِدُكَ عَلَى صَلَاحِ دِينٍ وَ يُكْسِيكَ حُسْنَ يَقِينٍ؛ در راه خدا کسی را که برای اصلاح دین و کسب یقین با تو می جنگد، دوست بدار.<sup>۹</sup>
- أَبْذَلُ لَصَدِيقِكَ نَصْحَكَ؛ برای دوستت خیرخواهی کن.<sup>۱۰</sup>
- آيَاكَ وَ مُصَادِقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ؛ از دوستی با احمق بپرهیز؛ زیرا او وقتی می خواهد به تو نفع برساند ضرر می رساند.<sup>۱۱</sup>
- آيَاكَ وَ مُصَادِقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَقْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ؛ از دوستی با فردبخیل بپرهیز؛ چون در آن موقعی که به او نیاز داری از یاری تو خودداری می کند.<sup>۱</sup>

- 
- ( 1 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 773  
 ( 2 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 83  
 ( 3 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 376  
 ( 4 ) عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص 348  
 ( 5 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 348  
 ( 6 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 348  
 ( 7 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 455  
 ( 8 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 477  
 ( 9 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 137  
 ( 10 ) غرر الحکم و دررالکلم، ص 148  
 ( 11 ) مرآة العقول فی شرح الاخبار آل رسول، ج 11، ص 86

- من لم تكن مودته في الله فاحذرهُ فإن مودته لئيمة و صحبتُهُ مشومة؛ هر کس که دوستی او برای خدا نباشد از او دوری کن؛ زیرا دوستی چنین کسی پست و رفاقتش شوم و نامبارک است.<sup>۲</sup>
- لیکن أحبُّ الناسِ إليك و أخطاهمُ لَدَیْكَ أَكْثَرَهُمْ سَعْيًا فی منافعِ الناسِ؛ دوست داشتنی ترین افراد در نزد تو کسی باشد که برای نفع مرم بیشتر تلاش کند.<sup>۳</sup>
- لیکن أحبُّ الناسِ الیک المُشْفِقُ النَّاصِحُ؛ دوست داشتنی ترین مردم در نزد تو کسی باشد که مهربان و خیرخواه است.<sup>۴</sup>
- صَدِیقُ الْجَاهِلِ مِنْعُوبٌ مِنْكَ؛ آن که با نادان دوستی کند، نکبت زده و گرفتار است.<sup>۵</sup>
- صَدِیقُ الْإِحْمَقِ فی تَعَبٍ؛ آن که با کم عقل دوستی کند، همیشه در رنج است.<sup>۶</sup>
- من تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحَبُّوهُ؛ هر کس با مردم الفت بگیرد مردم او را دوست می دارند.<sup>۷</sup>
- تُمْسِكُ بِكُلِّ صَدِیقٍ إِفَادَكَ عِنْدَ نَكْبَةِ الشَّدَةِ؛ چنگ به دامن دوستی بزن که در سختی به تو کمک کند.<sup>۸</sup>
- زَيْنُ الْمَصَاحِبَةِ الْإِحْتِمَالُ؛ زینت دوستی تحمل نمودن جفا و اذیت هاست.<sup>۹</sup>
- لَا تُؤَادُّ الْكَافِرَ وَلَا تُصَاحِبُوا الْجَاهِلَ؛ با کافر دوستی و با نادان مصاحبت نکنید.<sup>۱۰</sup>
- لَا تَصْفُو الْخُلَّةَ مَعَ غَيْرِ أَدِيبٍ؛ دوستی جز با فرد بسیار با ادب خالص و بی نقص نمی شود.<sup>۱۱</sup>
- إِيَّاكَ أَنْ تُحِبَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَوْ تُصَفِّيَ وَذَكَ لِغَيْرِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا خُشِرَ مَعَهُمْ؛ مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی خودت را برای غیر دوستان خدا بذل کنی؛ چرا که هر کس طایفه ای را دوست بدارد با آنها در قیامت محشور می شود.<sup>۱</sup>

1) مرأه العقول فی شرح الاخبار آل رسول، ج 11، ص 86

2) غرر الحکم و درر الکلم، ص 652

3) شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج 7، ص 161

4) شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج 7، ص 381

5) غرر الحکم و درر الکلم، ص 419

6) غرر الحکم و درر الکلم، ص 432

7) غرر الحکم و درر الکلم، ص 414

8) غرر الحکم و درر الکلم، ص 318

9) غرر الحکم و درر الکلم، ص 391

10) غرر الحکم و درر الکلم، ص 748

11) تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 434

## آیین دوستی

هرچند محور مباحث گذشته در باره معاشرت، گاهی به بحث برخورد مناسب با همنشینها، بستگان و دوستان هم مربوط می شد، اما از آنجا که «دوستی» یکی از فراگیرترین رابطه های انسانی میان مردم است، بجاست که این موضوع را با تأمل بیشتری مورد توجه قرار دهیم.

### نعمتِ «دوست»

در سفارشهای لقمان حکیم به فرزند خود به برقراری رابطه با دوستان خوب تأکید شده است: "دوست خوب بهتر از تنهایی و گوشه نشینی است. فرزندم! هزار دوست برای خود انتخاب کن و بدان که هزار دوست کم است و هیچ کس را دشمن خود مساز، زیرا یک دشمن هم زیاد است"<sup>۲</sup>

دوست، همدم تنهاییهای انسان، شریک غمها و شادیها، بازوی یاری رسان در نیازمندیها، تکیه گاه انسان در مشکلات و گرفتاریها و مشاور خیرخواه در لحظات تردید و ابهام است.

بعضی از مردم، به خاطر خصلتهای خودخواهانه یا توقعات بالا یا تنگ نظری یا سختگیری یا دلایل دیگر، نمی توانند برای خود، دوستی برگزینند و از «تنهایی» درآیند. این به تعبیر حضرت علی (علیه السلام) نوعی ناتوانی و بی دست و پایی است.

هم دوست یافتن، «هنر» است، هم دوست نگه داشتن، هم دوستیهای تعطیل شده و به هم خورده را دوباره پیوندزدن و برقرار ساختن.

علی (علیه السلام) می فرماید:

"أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اِكْتِسَابِ الْأَخْوَانِ، وَاعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ"

ناتوانترین مردم کسی است که از دوستیابی ناتوان باشد. ناتوانتر از او کسی است که دوستانِ یافته را از دست بدهد و قدرت حفظ آنها را نداشته باشد.<sup>۳</sup>

تأمل در اینکه چه خصلتها و برخوردها و روحیه هایی سبب می شود انسان، دوستان خود را از دست بدهد و

---

( 1 ) غرر الحکم و درر الکلم، ص 170

( 2 ) شیخ صدوق در کتاب مجالس

( 3 ) بحار الأنوار، ج 74 ، 278

تنها بماند، یا آنکه از آغاز، نتواند دوستی برای خویش بگیرد، ضروری است.

سعدی در این باره گفته است: «دوستی را که به عمری فراچنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند.»

### همرنگ و هماهنگ

دوستان هر کس، مبنای قضاوت دیگران نسبت به اخلاق و شخصیت و افکار او است. بعلاوه، تأثیرپذیری انسان از دوستان، در سنین مختلف، چه کودکی، چه جوانی و چه حتی میانسالی، بسیار است. از این رو دقت در گزینش «دوستِ موافق»، به سلامت اخلاقی و رفتاری انسان کمک می کند. به فرموده حضرت علی(علیه السلام):

"الصَّاحِبُ كَالرَّقْعَةِ فَاتَّخِذْهُ مَشَاكِلًا"

دوست، همچون وصله جامه است، پس آن را هم شکل و هم سان با خودت برگزین.<sup>۱</sup>

ارتباط قلبی و درونی میان انسانها، به پیوندهای اجتماعی و بیرونی می انجامد. روابط اجتماعی هم، در روحيات و اخلاق افراد، اثر می گذارد. بنابراین، آنان که به تعالی فکر و سلامت اخلاق و تهذیب نفس و تکامل شخصیت خویش علاقه مندند، ناگزیر باید در انتخاب دوست، «معیارهای مکتبی» را لحاظ کنند و به آنچه از دوست «می گیرند»، اهتمام ورزند.

این سخن زیبای حضرت رسول(صل الله علیه و آله)، خواندنی و شنیدنی است:

"مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَّارِ، إِنْ لَمْ يُعْطِكَ مِنْ عِطْرِهِ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ وَ مَثَلُ الْجَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ الْقَيْنِ إِنْ لَمْ يُخْرِقْ ثَوْبَكَ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ"

مَثَلِ همنشین شایسته و خوب، مثل عطّار است، که اگر از عطر خودش هم به تو ندهد، ولی از بوی خوش او به تو می رسد، و مَثَلِ همنشین بد، همچون کوره پز آهنگری است که اگر لباس تو را هم (جرقه های آتش کوره) نسوزاند، ولی بوی کوره به تو می رسد!<sup>۲</sup>

این همان سروده حکمت آمیز سعدی است، در مورد گِل خوشبوی در حمام، که در اثر همنشینی با گِل،

1) غرر الحکم و دررالکلم، ص 63

2) کنز العمال، ج 9، شماره 24676

معطر می شود و از «کمال همنشینی» بهره می برد، "و گر نه من همان خاکم که هستم! ..."

مولوی شاعر و عارف بزرگ ایرانی در این باره چه نیکو سروده است :

تا توانی می گریز از یارِ بد یارِ بد بدتر بُود از مارِ بد

مارِ بد تنها تو را بر جان زند یارِ بد بر جان و هم ایمان زَند

### دوست شایسته

در منابع دینی، در اینکه «دوست خوب» کیست؟ و با چه کسانی باید دوستی و مؤدت داشت و از معاشرت و

همنشینی چه کسانی باید پرهیز کرد، و ... احادیث بسیاری است، با رهنمودهای کاربردی و جالب.

در صدد بررسی و نقل این گونه احادیث نیستیم، اما در قلمرو بحث از آداب معاشرت با دوست و آیین دوستی،

توجه به نکاتی که به عنوان صفات دوست خوب مطرح شده است، ضروری است. همان معیارها، حاوی

دستورالعمل چگونگی معاشرت هم هست. به عنوان نمونه به یکی از این روایات، اشاره می کنیم.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در بستر بیماری بود و پس از آن مسمومیت که به شهادتش منجر شد، در

دیداری که جُناده (از اصحاب وی) با حضرت داشت، امام چنین توصیه فرمود:

"إِصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانِكٌ، وَإِذَا خَدِمْتَهُ صَانِكٌ وَ إِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً أَعَانِكَ وَ ..."<sup>۱</sup>

با کسی همنشینی و مصاحبت و دوستی کن که:

1- هرگاه با او همنشین شدی، مایه آراستگی تو باشد،

2- آنگاه که خدمتش کنی، تو را نگهبان باشد،

3- هرگاه از او یاری خواستی، کمکت کند،

4- اگر سخنی گفتی، تو را تصدیق کند،

5- اگر (بر دشمن) حمله بردی، قدرت وصولت تو را بیفزاید،

6- اگر دستت را به فضل و نیکی دراز کردی، او هم دست، پیش آورد،

7- اگر در تو (و زندگیت) رخنه ای پدید آمد، آن را برطرف سازد،

---

1 ( بحار الأنوار، ج 44 ، 139



8- اگر از تو نیکی دید، آن را در شمار و حساب آورد،

9- اگر چیزی از او طلبیدی، عطا کند،

10- اگر تو ساکت بودی (و چیزی نخواستی) او آغاز کند (و نیازت را برطرف سازد).

اینها اوصاف کسی است که شایسته رفاقت و دوستی از دیدگاه امام مجتبی(ع) است. از اینها برمی آید که آیین دوستی عبارت است از: آراستن دوست، یاری رساندن، قدرشناس بودن، تقویت کردن، همکاری داشتن و در راه دوست، فداکاری و خدمت کردن.

از سوی دیگر، اگر در سخنان ائمه از دوستی با بعضی نهی شده، آنها نیز به عنوان صاحبان «رفتار ناپسند» محسوب می شوند که در قلمرو آیین دوستی نمی گنجد، از قبیل: عیبجویی، نابخردی، کینه توزی، پرتوقعی، کم ظرفیتی، بددهانی و بدزبانی، بی تقوایی، لجاجت و ستیزه جویی، شوخیهای بیجا و آزاردهند، خودپسندی و بدرفتاری و از این دست خصلتها و رفتارها. اینها، هم موجب کاهش دوستان و سستی دوستیها می گردد، و هم شیوه های ناپسند در معاشرت با دوستان است که باید از آنها پرهیز کرد.

جلوه دوستی کامل و راستین، در مودت قلبی، حفظ حرمتها، مراعات حقوق، یاری در هنگام نیاز و مساعدت در وقت گرفتاری است و بدون اینها ادعای دوستی پذیرفته نیست.

### دوست بی عیب؟!

واقعگرایی در همه مسایل، پسندیده است، از جمله در دوستیابی و دوست گزینی.

بعضیها چنان آرمانی فکر می کنند که از واقعیتهای ملموس و عینی فاصله می گیرند و در عالم خیال و ذهن، سیر می کنند. «دوست بی عیب» از این گونه آرمانهای دست نیافتنی است.

البته باید کوشید تا حد امکان و توان، در دوستیها سراغ افرادی رفت که نقطه ضعف کمتری داشته باشند و اگر بی عیب باشند، چه بهتر. ولی ... آیا انسان بی عیب (غیر از معصومین) می توان یافت؟ هر کس در موردی ممکن است نقصان و نقطه ضعفی داشته باشد.

همان طور که طالبانِ همسر ایده آل و صد در صد بی عیب و نقص، مجرد و بی همسر می مانند، آنان هم که در پی دوستِ صد در صد بی ضعف باشند، تنها می مانند. این حقیقت، به عنوان توجه به یک واقعیتِ عینی

در کلام مولا علی(ع) این گونه آمده است:

"مَنْ لَمْ يُوَاخِ إِلَّا مَنْ لَا غَيْبَ فِيهِ فَلَّ صَدِيقُهُ"

کسی که بخواهد جز با افراد بی عیب دوستی و برادری نکند، دوستانش کم خواهند شد.<sup>۱</sup>

## آسیب های دوستی

هرچند برخوردار نبودن از دوست و تنها زندگی کردن، علاوه بر مشکلات دنیوی، خسارت ها و ناگواری هایی را در سرای دیگر به دنبال دارد، اما هرگز نباید فراموش کرد که دوستی با افراد ناشایست و هم نشینی با گناه کاران و افراد ناباب، به مراتب از نداشتن دوست زیان بارتر است؛ زیرا کسی که دوست خوب ندارد، از برکات دوست و تجربیات او، هنر و کمالات مادی و معنوی که ممکن بود بر اثر دوستی با افراد شایسته نصیبش شود محروم می گردد و مجبور می شود یک تنه در راه های پرپیچ و خم و صعب العبور زندگی گام بردارد، اما آن کس که دوست بد و ناشایست دارد، نه تنها به رشد و درجات عالی از کمال نمی رسد، بلکه ارزش های وجودی و فضایل ذاتی و انسانی خود را نیز که قانون خلقت در اختیارش قرار داده است از دست می دهد و در نتیجه به محرومیت ها و مشکلات دنیوی و نیز عذاب های اخروی گرفتار می شود.

در موضوع دوست و دوست یابی آسیب های گوناگونی مطرح است که برای کاستن از آن باید اقداماتی انجام داد:

قدم اول در انتخاب دوست، لزوم آزمایش است. با امتحان و آزمایش، انسان های ناسالم، مشخص می شوند. دوستی با افراد سالم به دلیل اعتماد و اطمینان، استحکام بیشتری دارد. در مقابل، علاقه ای که نه در پی آزمایش بلکه به دنبال احساسات ایجاد شده باشد، تداوم نخواهد داشت.

حضرت امیر(علیه السلام) در این باره می فرمایند:

"مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الاضْطِرَّارِ الی مِرَافَقَةِ الاَشْرَارِ؛ کسی که بدون آزمایش، دوستی را انتخاب کند، ضرورت ها، وی را وادار به رفاقت با اشرار می کند."<sup>۲</sup>

"هم نشینی با تباه کاران مایه تباهی است؛ همانند باد که وقتی بر مردار می وزد با خود بوی بد به همراه

1 ( بحار انوار، ج 75، ص 278

2 ( غرر الحکم و درر الکلم، ج 5، ص 398

دارد.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر، همان طور که اگر آب از کنار باغ ها و شکوفه ها بگذرد خوش بو و اگر از کنار لجن زار بگذرد بدبو است، انسانی که با نیکوکاران رفت و آمد و حشر و نشر دارد، به نیکی می گراید و انسانی که با بدان نشست و برخاست کند، به بدی گرایش می یابد.

البته ناگفته نماند که امتحان و آزمایش انسان ها از شئون خداوند متعال است و اوست که می تواند عباد خود را بیازماید و عاصیان را از مطیعان متمایز سازد. لذا آزمایشی که در این جا مورد بحث است، امتحانی محدود و صرفاً برای مصون بودن از عوارض دوست ناباب است. اگر یک انسان سالم با فردی معتاد طرح دوستی بریزد، چنان چه اراده ای قوی نداشته باشد به تدریج زمینه ی انحراف او هموار می شود و چه بسا رذایل اخلاقی دیگر این فرد معتاد در او اثر بگذارد.

آسیب دیگر دوستی با هواپرستان، فراموشی ایمان است. تعبیر بسیار رسا و کامل همین است که علی(ع) فرمود:

" فراموش خانه؛ یعنی انسان آن قدر تحت تأثیر دوستان و معاشران بد هست که تا وقتی که با آنان هست، مثل این است که او را در فراموش خانه برده اند، افکار و عقاید پاک خود را موقتاً از یاد می برد؛ مثل این است که در آن وقت، هم چو افکار و عقایدی نداشته است."<sup>۲</sup>

دوستی های بی حد و حصر و رفاقت های حساب نشده، مشکلات زندگی و مخصوصاً مشکلات روانی را افزایش می دهد و نشاط و شادابی را از بین می برد و افسردگی حالات، یأس و پژمردگی جای آن را می گیرد. برای حل معضلات و رفع آسیب های جوانان، ابتدا باید زمینه ها و عوامل آسیب پذیری این قشر را شناسایی کرد. در این جا به قدر توان به برخی از این زمینه ها اشاره می کنیم:

الف) فقر معنوی: یکی از عوامل آسیب پذیری و بروز ناهنجاری ها در جوانان، آگاهی نداشتن درباره ی هستی و انسان و در کل نتیجه ی عدم اعتقاد به اصول و مبانی اسلامی، خصوصاً مبدأ و معاد است. جوانی که به خداوند متعال معتقد است و با حضرتش پیوند دارد، در این هستی پهناور، هرگز خود را تنها و منزوی نمی

1) تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 431، شماره 9826

2) نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه 85، ص 199

پندارد و همیشه سعی می کند تا از جاده ی انسانیت خارج نشود. چنین شخصی در سختی ها و مصایب، بردبارتر و شکیباتر می شود و هیچ وقت به پوچی و سرگردانی نمی رسد و به دلیل کرامت و ارزشی که برای خویش در پیش گاه خدا به دست آورده است، سراغ بسیاری از معضلات اجتماعی نمی رود.

ب) تحولات دوران بلوغ: شروع مرحله ی بلوغ در دختر و پسر، معمولاً با تغییراتی همراه است، که تحولات روانی و عاطفی، مانند: زودرنجی، احساساتی بودن، مخالفت کردن با دیگران، درون گرایی و ... از جمله ی آن هاست. اگر این مرحله به سلامت طی نشود باعث آشفتگی های روانی می شود و زمینه ای برای آسیب پذیری نوجوانان و جوانان خواهد بود.

ج) ناهماهنگی بین رشد انسان و عقل: اندام نوجوانان در طول دوران بلوغ، رشد چشم گیری می کند و بر تمام قوای بدنشان افزوده می شود، ولی عقلشان در آن دوران رشد محسوسی ندارد و تقریباً در سطح قبل از بلوغ باقی می ماند. این ناهم آهنگی رشد جسم و عقل، منشأ بسیاری از خطرات در دوران جوانی است.

د) شخصیت انقلابی جوان (حس ماجراجویی): بدون تردید احساسات تند و آتشینی که در نهاد جوانان قرار داده شده و تمام وجود آنان را تحت تأثیر قرار می دهد نقش مؤثری در آسیب پذیری آنان ایفا می کند. این احساسات طبیعی در جوان، به پاسخ گویی صحیح نیاز دارد تا مورد بهره برداری درست قرار گیرد، ولی متأسفانه در موارد فراوانی به این نیاز جوان در جامعه پاسخ مثبت داده نمی شود؛ برای مثال محدودیت های افراطی موجود در خانواده یا جامعه و خلأ سرگرمی های سازنده، از جمله عواملی هستند که سبب تأمین این نیاز به شیوه ی منفی در جوانان می گردد؛ مانند: مخالفت با مقررات اجتماعی، زیر پا گذاشتن حدود و قوانین جامعه .

ه) عدم تربیت صحیح جنسی: غریزه ی جنسی در انسان، از جمله غرایزی است که باید به صورت صحیح آن را ارضا کرد، لکن نوجوان و جوانی که در طی رشد جنسی، توجیه نشده و آموزش و تربیت صحیح ندیده، شکی نیست که در هنگام بلوغ جنسی دچار هیجان، اضطراب، وحشت و بحران فکری خواهد شد و به بسیاری از اعتقادات خود شک خواهد کرد و سرانجام به برخی از آسیب های روحی، اخلاقی، اجتماعی مبتلا خواهد شد.

و) عدم رشد شخصیت: یکی از تمایلات طبیعی نوجوانان این است که مانند بزرگ سالان به شخصیتشان احترام گذاشته شود. با توجه به این خصوصیت، جوان و نوجوانی که در محیط کوچک خانواده و یا جامعه مورد تکریم و احترام قرار می گیرد و نظراتشان مقبول واقع می شود؛ علاوه بر این که موجب رشد عقلی و سازگاری او با محیط می گردد، سعی و تلاش می کند که خود را به پستی و ناپاکی آلوده نکند و رفتارهای شایسته ی این تکریم باشد اما به جوانی که اجازه ی اظهارنظر داده نمی شود و خوبی ها و توانایی های او مطرح نمی گردد، احساس بی کفایتی و حقارت می کند و این فرآیند روانی، زمینه ساز بروز رفتارهای نابهنجار، انحرافات اجتماعی و بزه کاری می گردد.

ز) محیط اجتماعی فاسد: اگر چه خانواده، مدرسه و جامعه، سه عامل نیرومند در پایه گذاری شخصیت و ساختن خلق و خوی انسان است و آدمی خواه ناخواه تحت تأثیر این سه محیط مقتدر قرار دارد، ولی محیط اجتماعی و جامعه که آخرین کلاس ساختن اخلاق و شخصیت آدمی است، به مراتب قوی تر از آن دو عامل می باشد.

ح) دوستان ناباب: یکی دیگر از زمینه های آسیب پذیری نسل جوان، آشنا نبودن آن ها با معیارهای دوست خوب است.

ط) ناهماهنگی در برنامه ریزی برای جوانان: اگر افراد جامعه، به خصوص قشر جوان که اثر پذیری فرهنگی بیشتری دارند، در مواجهه با نهادهای فرهنگی، با صداها و شعارها و عملکردهای متفاوتی مواجه گردند و هر نهادی برای آموزش مسائل فرهنگی و تربیتی جوانان، ساز جداگانه ای بزند، پر واضح است که نسل جوان در چنین آشفته بازاری دچار سردرگمی می شود.

### **دوستی از دوجنس مخالف: ارتباط دختر و پسر و شرایط آن**

یکی از نیازهای اساسی زندگی انسان، تعامل و ارتباط با دیگران است. انسان در طول رشد خود، پیوسته برای بقا و پیشرفت خویش، محتاج ارتباط با دیگران است که بین این امر با سلامت رابطه ای نزدیک وجود دارد . تمام انسان ها به دنبال یافتن کسانی هستند که با آن ها احساس خوش بختی کنند و از زندگی با آن ها لذت ببرند و در کنارشان منفعت بیشتری کسب کنند. در بین ارتباطات انسانی، نیاز به ارتباط با جنس مخالف هم

در مقطعی از زندگی انسان مطرح می شود و این زمانی است که پسر و دختر تصمیم می گیرند تا همسر آینده را انتخاب کنند و در این ارتباط مقطعی که لازمه شناخت از همدیگر است، اصولی مطرح هستند .

باید توجه داشت که نیروی پیوندجویی دو جنس مخالف، دل دادگی های پسرانه و دلبری های دخترانه و دل بستگی های طرفین، در قشر جوان وجود دارد. البته این ارتباط ها و علاقه ها منشأ تشکیل خانواده و بقای نسل و ادامه حیات می گردند، ولی باید در چارچوب اصولی اخلاقی و شرعی باشند.

گاهی این علاقه ی درونی به جنس مخالف و نیاز به ارتباط با او، از چارچوب هنجارهای اجتماعی و دینی خارج می شود و به سوی بی عفتی و گناه کشیده می شود که این امر بسیار ناشایست و غیراخلاقی است.

در این مقالات ، سعی خواهد شد تا چارچوب ارتباط با جنس مخالف، که گاهی برای انتخاب همسر لازم است، طبق معیارهای اسلامی و اخلاقی بیان گردد تا نوجوانان عزیز از شرایط آن مطلع گردند. اما پیش از بیان اصول ارزشی و اخلاقی ارتباط، لازم است تعریف دوستی با جنس مخالف بیان گردد - تا خدای ناکرده - جوانان عزیز به این عمل ضدارزشی و حرام گرفتار نشوند.

### **تعریف «دوستی دختر و پسر»**

بر اساس قواعد کلی حاکم بر ارتباط میان فردی، نمی توان هر ارتباطی را «دوستی دختر و پسر» نامید، بلکه می توان گفت: «دوستی دختر و پسر» یعنی: ارتباطی که بین دو جنس مخالف وجود دارد و در این ارتباط، محبت، صمیمیت، عشق و علاقه ی قلبی ویژه وجود دارد و از این رو، ارتباط دو کودک یا ارتباط تحصیلی یا ارتباط معلم با شاگرد و مانند آن، که برای اهداف خاصی است، نمی تواند از مقوله دوستی دختر و پسر باشد.

### **راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر**

سالم سازی ارتباط دختر و پسر وابسته به تقویت مبانی اخلاقی و اعتقادی است که طرفین (دختر و پسر) با تقویت این دو مبنا می توانند ارتباط سالمی در جامعه ی اسلامی داشته باشند. در صورت عدم تحقق مبانی پیش گفته و ضرورت ارتباط طولانی مدت، راهکار شرعی، ایجاد عقد موقت است.

## توضیح راهکار ها

### الف - حیا

از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده که حیا موجب پیدایش هر زیبایی است، بنابراین، برای زیبا شدن هر چه بیشتر زندگی و جلا بخشیدن به روابط و معاشرت، به کار بردن این مفهوم راهگشاست. شرم و حیا به معنای خودداری از حرکت و عملی است که انجامش مورد سرزنش و ملامت باشد. و در این مورد خاص حالتی بسیار با ارزش و مانعی فوق العاده مهم در برابر گناه و کیفیتی قابل توجه است. بی تردید کسی که به خداوند ایمان دارد و از قیامت و حوادث آن بیمناک است، چه در آشکار و چه در پنهان از این که در محضر پروردگار به گناه و معصیت دست بزند، حیا و شرم می کند و در نهایت با کمک و یاری این حالت نفسانی، به سوی گناه گام بر نمی دارد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: اما حیا، حقیقتی است که امور و خصلت هایی از آن منشعب می شود، مانند نرم خویی، مهربانی، آگاهی و توجه به مراقبت خدا در پنهان و آشکار، سلامت نفس، دوری از گناه و شر، خوش رویی، بزرگواری و بلندی نظر، پیروزی، نام نیک در میان مردم ...؛ این ها خصلت هایی است که خردمند به وسیله ی حیا به آن ها می رسد، پس خوشا به حال کسی که خیرخواهی خدا را بپذیرد و از رسوایی اش در محضر حق بترسد.

از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که مانند پیامبران باقی نمی ماند مگر سخن مردم که اگر حیا نکنی هر کاری انجام خواهی داد.

این سخن رسول خدا که بیانگر و مؤید ضرب المثل معروف عرب است، روشننگر این واقعیت می باشد که حیا جوهره ی هر خوبی است، زیرا اگر انسان به مرتبه ای برسد که هر چه بخواهد انجام بدهد، از مرتبه ی انسانیت خارج می شود و آنچه در این راستا پیشگیر، مانع و همچون سدی است در برابر تمایلات انسانی، حیا و شرم می باشد.

همچنین از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که عاقل ترین مردم با حیاتی ترین آن هاست.

نقش حیا در سالم سازی روابط به گونه ای پر اهمیت است که بدون آن حتی ایمانی وجود ندارد و جایی که

ایمان وجود نداشته باشد، رابطه معنا ندارد و برای ایجاد یک ارتباط خوب و شایسته، حیا ضرورت دارد.

#### ب - رعایت حجاب شرعی

دختر در ارتباط با پسر باید مراقب حریم خود باشد و در پاسخ بی حیایی او خود را در دژ مستحکم حجاب بیوشاند؛ زیرا پوشش کامل همچون سدی می تواند جلوی روابط ناسالم را بگیرد و روابط سالم را تقویت کند؛ البته از نظر روابط اجتماعی ثابت شده است که افراد بی حیا نسبت به افراد محجب و پوشیده مراقب اعمال خود هستند و آن گاه بی حیایی خود را ظاهر می سازند که از طرف مقابل نیز بی حیایی ببینند. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می نویسد: "نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را افزایش می دهد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه ی جنسی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد؛ همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورتر می شود."

ضرورت حجاب و پوشش در مورد زن جای هیچ شک و تردیدی نیست، ولی آنچه در سالم سازی روابط کمک می کند، افزون بر پوشش زن، پوشش مرد است. درست است که مرد ها وظیفه دارند تنها شرمگاه (از ناف تا زانو) خود را بیوشانند، ولی مرحوم صاحب عروة الوثقی مسئله را این گونه مطرح می کند: «بر مردان پوشش واجب نیست، مگر در عورت، اما اگر علم داشته باشیم که زنان عمداً به بدن ما نگاه می کنند، پوشش از باب حرمت تعاون بر اثم واجب است.

اگر مردی با قصد به حرام انداختن زن بدون لباس بیرون بیاید، کمک به گناه صدق می کند، زیرا قصد وقوع گناه توسط زنان را نموده و این کار کمک به انجام دادن گناه است، اما اگر چنین قصدی نداشته باشد و فقط احتمال داشته باشد از عدم پوشش وی عده ای به گناه بیفتند، کمک به گناه صدق نمی کند.

اما آنچه در سالم سازی روابط دختر و پسر مطرح می باشد، پوشش طرفین است، از آن جا که دختر و پسر با هم معاشرت دارند، باید تمامی مقدمات احتمالی وقوع گناه از جمله برهنه بودن مرد برداشته شود و مرد با ظاهری محجوب حاضر شود و البته حجاب مرد ارتباطی کامل و استوار با حیا دارد که پیش تر از آن یاد شد.



### ج - عفت چشم و چشم پوشی

نگاهی شهوت آلود به جنس مخالف تنها به زن و شوهر اختصاص دارد و هیچ زن و مرد دیگری نمی تواند چنین نگاهی به یکدیگر داشته باشند. نگاه بدون قصد شهوت به غیر از دست و صورت زن نامحرم حرام است. در مورد نگاه کردن به دست و صورت زن نامحرم صاحب عروه الوثقی و حضرت امام می فرمایند: احتیاط در این است که نگاه کردن جایز نباشد.

افزون بر این، آگاهی از آثار وضعی نگاه به نامحرم می تواند گام موثری در تقویت این راهکار باشد. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: "نگاه، تیری است از تیر های زهر آگین شیطان، کسی که برای خداوند متعال نگاه را ترک کند، خداوند عزوجل آرامشی همراه با ایمان به او می چشاند."<sup>1</sup>

از سوی دیگر توجه به آثار فراوان چشم پوشی، خود راهکاری است برای سالم سازی ارتباط دختر و پسر که تنها به یک نمونه اشاره می شود.

### د - تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد

امام خمینی (ره) در کلام نغز و شیوایی که برگرفته از آیات و روایات است، می فرمایند: "عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید."

تمام هستی (عالم) به صورت یک مجموعه ی واحد محضر و دفتر دادگاه است و قاضی این دادگاه نیز حاضر است، اعتقاد به وجود خدای متعال و نظارت دائمی او و همچنین اعتقاد به روز رستاخیز از مهم ترین راهکار های سالم سازی ارتباط دختر و پسر است. در این زمینه، اشاره به ارتباط حضرت یوسف (علیه السلام) و زلیخا می تواند راه گشای بسیاری از مسایل پیش آمده برای جوانان باشد. حضرت یوسف (علیه السلام) در پاسخ افزون طلبی زلیخا به او یک جمله گفت: «معاذ الله»؛ «و آن [زنی] که آن [=یوسف] در خانه اش بود، از وجودش تمنای کامجویی کرد، و همه ی درها را محکم بست و گفت: «بیا (که من آماده) برای توام!» (یوسف) گفت: "پناه بر خدا! در حقیقت او پرورش دهنده ی من است؛ جایگاه مرا نیکو داشت؛ (پس خیانت به او ستمکاری است و) قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند."

---

1) فقه شیعه، ج 25، ص 591

پیامد های هشدارآمیز داستان یوسف و زلیخا:

- 1) پسر های جوان که در خانه های زنان کم تقوا و نامحرم هستند، تنها نباشند، زیرا باب مراوده باز می شود.
- 2) گناهان بزرگ با مراوده و نرمش شروع می شوند.
- 3) حضور زن و مرد، پسر و دختر در فضای در بسته، زمینه را برای گناه فراهم می کند.
- 4) عشق در اثر مراوده و به تدریج پیدا می شود، نه به صورت دفعی و یک باره، بنابراین از معاشرت های طولانی مدت تا حد امکان پرهیز شود.
- 5) در برابر قدرت شهوت، همسر پادشاه نیز به زانو در می آید.
- 6) موقع هجوم حمله ی شیطان یاد خدا بهترین راهکار است.
- 7) یاد عاقبت گناه مانع ارتکاب آن است.
- 8) توجه به خدا مهم ترین عامل بازدارنده است.
- 9) یک لحظه گناه، انسان را از رستگاری ابدی دور می سازد.
- 10) ضرورت شکر نعمت دهنده اقتضا می کند گناه نکنیم.

#### شرح حدیث رهبری : حفظ دوست و پاداش آن

"عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا تَكُونُ الصَّدَاقَةَ إِلَّا بِحُدُودِهَا فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ هَذِهِ الْحُدُودُ أَوْ شَيْءٌ مِنْهَا فَانْسِبُهُ إِلَى الصَّدَاقَةِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْهَا فَلَا تَنْسِبُهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ فَأُولَئِهَا أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَ عَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَ الثَّانِي أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَةً وَ شَيْنَكَ شَيْنَةً وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ لَا تُغَيِّرَهُ عَلَيْكَ وَلَايَةً وَ لَا مَالٌ وَ الرَّابِعَةُ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئاً تَنَالَهُ مَقْدَرَتُهُ وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ أَنْ لَا يُسَلِّمَكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ"<sup>1</sup>

عن الصادق (عليه السلام): "لا تكون الصداقة الا بحدودها"<sup>2</sup> صداقت مرزهایی دارد که اگر این خطوط اصلی و این مرزها وجود داشت، صداقتی که آثار فراوان شرعی و برادری شرعی بر آن مترتب است، مترتب خواهد شد؛

1) شافعی، ص ۶۵۱

2) اصول کافی، ج 2، ص 639

والّا نه. "فمن كانت فيه هذه الحدود او شيء منها فانسبه الى الصداقة. "حالا اگر همه حدود هم نبود، بعضی از این خطوط و مرزها باید باشد تا صداقت صدق کند.

"و من لم يكن فيه شيء منها فلا تنسبه الى شيء من الصداقة فأولها ان تكون سريره و علانيته لك واحدة." اول این است که ظاهر و باطنش با تو یکسان باشد. اینجور نباشد که در ظاهر اظهار دوستی کند، [اما] در باطن با تو دشمن باشد؛ یا اینکه دوست نباشد حداقل خیر تو را نخواهد. این اولین شرط صداقت است.

"و الثانية ان يرى زينك زينه و شينك شينه"؛ [دوم اینکه] آنچه را که زینت توست، زینت خود بداند؛ آنچه عیب توست، عیب خود بداند. اگر شما به مقام علمی دست پیدا می کنید، یا یک کار برجسته‌ای می کنید که زینت برای شماست، این را برای خودش زینت بداند. اگر خدای نکرده چیزی در شما هست، صفتی، کاری، عملی که موجب عیب شماست، این را عیب خودش بداند؛ که طبعاً آثاری بر این مترتب است: سعی می کند برطرف کند، سعی می کند آن را پنهان کند. اینجور نباشد که منتظر بماند تا شما یک لغزشی پیدا کنید، خوشحال بشود از این لغزش. صداقت این نیست.

"و الثالثة ان لا تغيره عليك ولاية و لا مال"؛ [سوم اینکه] اگر به یک قدرتی، حکومتی، ریاستی دست پیدا کرد، یا به یک مالی دست پیدا کرد، ثروتمند شد، وضعش با تو عوض نشود، تغییر نکند. بعضی‌ها اینجوری اند دیگر؛ با آدم رفیقند، به مجرد اینکه به یک مال و منالی، پولی، زندگی‌ای، چیزی می رسند، آدم می بیند اصلاً نمی شناسند آدم را. اصلاً نمی شناسد، کانه نمی شناسد آدم را؛ از این قبیل هم دیده‌ایم آدمهایی را. اینجور نباشد. داشتن مال و مقام او را عوض نکند، وضعش را با تو [عوض نکند].

"و الرابعة ان لا يمنعك شيئاً تناله مقدرته"؛ [چهارم اینکه] هر کار از دستش برمی آید، از تو دریغ نکند. خدمتی می تواند بکند، کمکی، وساطتی، توصیه‌ای، هر کار می تواند برای تو بکند و خیری به تو برساند؛ از این امتناع نکند.

"و الخامسة و هي تجمع هذه الخصال ان لا يسلمك عند التّكبات"؛ [پنجم اینکه] در نکبته‌ها و رویگردانهای دنیا تو را رها نکند. [اگر] به یک مشکلی دچار شدی، [به یک] بیماری‌ای دچار شدی، سختی‌ای پیدا کردی؛ انواع و اقسام سختی‌ها دیگر - حالا در زمان ما ملاحظه می کنید؛ سختی‌های سیاسی و سختی‌های اقتصادی

و حیثیتی و همه چی هست دیگر؛ انواعش را داریم می‌بینیم، که در گذشته در دورانهایی اینها را نمی دیدیم، لیکن حالا جلوی چشم ماست؛ امتحانها فراوان است - [در] اینطور موارد تو را رها نکنند؛ کمک کند.